حرفه‌ای

12 بهمن 1400

به بهانه حضور پژمان جمشیدی در «علفزار» و «بی‌مادر»

محدثه واعظی‌پور/ روزنامه‌نگار

حالا دیگر سختگیرترین مخالفان حضور بازیکن سابق پرسپولیس در سینما، حضورش را پذیرفته‌اند. مهم نیست گاهی بعضی اظهار نظرهای مغرضانه و غیرحرفه‌ای تمام تلاش 10 ساله او را زیر سؤال می‌برد، مهم این است که پژمان جمشیدی به عنوان بازیگر در سینمای امروز چند ویژگی مهم دارد. فیلم‌های تجاری‌اش فارغ از آنکه آثاری عامه‌پسند باشند یا کمدی‌هایی سرحال و مفرح، پرمخاطب است و تماشاگر عام دوست دارد او را روی پرده ببیند. سریال «زیر خاکی» (جلیل سامان) به خاطر شخصیت فریبرز باغمیشه و بازی جمشیدی، محبوب و پربیننده بود و تاک شوی «پیشگو» به خاطر او دیده می‌شد، او در قالب مجری هم عملکردی قابل قبول داشت. در کنار این‌ها، حضور در سینمای تجاری باعث نشده جمشیدی از فیلم‌های متفاوت و نقش‌های خاص غافل بماند، تجربه کردن را از یاد نبرده است.

پژمان جمشیدی، کشف دیرهنگام سینمای ایران، فوتبالیستی که سال‌ها می‌شد او را در سالن‌های تئاتر و به عنوان تماشاگر پر و پاقرص نمایش‌های روی صحنه دید، در یک دهه اخیر بازیگری پرکار بوده، ستاره‌ای که شهرتش را از مستطیل سبز به قاب تلویزیون و پرده سینما برد، اما حالا بیش از آنکه به عنوان فوتبالیست سابق شهره باشد، به عنوان بازیگر محبوب است. جمشیدی، چند نقش متفاوت در کارنامه‌اش دارد که متعلق به سینمای کمدی و تجاری نیست. حضورش در یکی از نقش‌های مکمل فیلم ستایش شده سروش صحت، یکی از آنهاست. در میان انبوهی بازیگر حرفه‌ای و شخصیت جذاب، جمشیدی در «جهان با من برقص» بازی دلنشین و شیرین دارد. تلاشش در «دوزیست» (برزو نیک‌نژاد) برای ارائه یک بازی متفاوت، فراتر از اندازه‌های فیلم بود و در «خط فرضی» (فرنوش صمدی) قابل قبول و پذیرفتنی. پژمان جمشیدی به واسطه شهرتی که از ورزش به سینما آورد، خیلی زود به عنوان بازیگر مطرح شد و این ویژگی، معایب و محاسنی داشت. دشنام‌های بسیاری نثارش شد که به خاطر پول و شهرت بازیگر شده، مخالفان ندیدند که برای شروع بازیگری از تئاتر شروع کرد و حتی در نخستین تجربه‌هایش روی صحنه (بادی که تو را خشک کرد مرا برد) به کارگردانی علی نرگس‌نژاد مسلط و مستعد به نظر می‌رسید. مخالفانش ندیدند که در نمایش «فرانکنشتاین» (ایمان افشاریان) تلاش کرد تا پوسته ظاهری‌اش را بشکند و از پرسونای همیشگی فاصله بگیرد.

جمشیدی، انتقادها را شنید اما کوشید با انتخاب نقش‌های متفاوت و گریم‌های دور از هم، در قالب بازیگر و نه لزوماً یک چهره مشهور و پولساز پذیرفته شود. امسال و در چهلمین جشنواره فیلم فجر او دو فیلم متفاوت در بخش مسابقه دارد. «بی مادر» (مرتضی فاطمی) و «علفزار» به کارگردانی کاظم دانشی، هر دو فیلم متعلق به فیلمسازان جوان و کمتر شناخته شده است. جمشیدی حضوری متفاوت در «علفزار» دارد و این بازی می‌تواند برایش نامزدی سیمرغ بلورین را به همراه بیاورد. در گمانه‌زنی‌های پیش از شروع جشنواره، آنهایی که فیلم‌های این دوره را دیده‌اند معتقدند یکی از بازی‌های خوب امسال متعلق به جمشیدی است و او بخت بالایی برای تصاحب سیمرغ بلورین دارد. این اظهار نظرها، نشان می‌دهد که جمشیدی در مسیری که طراحی کرده، موفق بوده است. او بازیگری با عیار بالای حرفه‌ای

است، سال گذشته وقتی در نشست خبری، با پرسشی تند و نقدی غیرمنصفانه روبه‌رو شد، همچون بازیگری باهوش و شش دانگ ترجیح داد خودش را در موضع پاسخگویی قرار ندهد و با آرامش از ورطه‌ای که مقابلش بود، عبور کند. یک سال بعد، او با دو فیلم به جشنواره چهلم فجر آمده و از بخت‌های دریافت سیمرغ بلورین است، این اگر حرفه‌ای گری نیست، چیست؟